

• اشاره

در شماره پیشین مجله، بخش اول این مقاله که مشتمل بر نقد مواردی از ترجمه آیات سوره حمد تا سوره انعام در ترجمه دکتر مصطفی خرم دل بود از نظر خوانندگان گرامی گذشت. اینک ادامه آن را که از سوره اعراف تا پایان قرآن مورد بررسی قرار گرفته است می خوانید. نویسنده در این مقاله، مواردی از ترجمه نامبرده را که به نظر وی اشکال داشته و یا ترک اولایی در آن رخ داده بوده، به ترتیب سوره ها و آیات یادداشت کرده و ترجمه پیشنهادی خود یا مترجمان دیگر را ارائه داده است.

ترجمان وحی

• ۳۵- اعراف: ۷۱

قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَ غَضَبٌ

«هود گفت: مسلماً عذاب بزرگ و خشم سترگی بر شما واقع می شود و بی گمان

دامگیرتان می گردد.»

اشکال: ترجمه «مِنْ رَبِّكُمْ» از قلم افتاده است.

ترجمه کامل آیه چنین است: «[هود] گفت: قطعاً عذابی و خشمی از پروردگارتان بر شما

مقرر گردیده است.

• ۳۶- اعراف: ۸۲، نمل: ۵۶

إِنَّهُمْ أَنَسٌ يَتَطَهَّرُونَ

«اینان مردمان پاک و پرهیزگاری هستند.»

اشکال: «تَطَهَّرَ» از باب تَفَعَّلَ به معنای «خود را به پاکی زدن و به پاکی نسبت دادن» است؛ مثل «تَقَدَّسَ» که به معنای «خود را به مقدّسی زدن» است.

بنابراین ترجمه دقیق آیه چنین است:

«اینان مردمانی هستند که خود را پاک می‌نمایانند.»

یا: «آنان کسانی هستند که به پاکی تظاهر می‌کنند.» (ترجمه محمد مهدی فولادوند)

• ۳۷- اعراف: ۹۳

فَكَيْفَ آسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ

«پس با این حال چگونه بر حال قوم بی‌ایمان اندوه بخورم؟»

اشکال: اَوَّلًا «قَوْمٍ» نکره است، و لازم است در ترجمه هم نکره بودن رعایت شود. ثانیاً ترجمه کافر به «بی‌ایمان» لازمه معنی است نه ترجمه معادل آن.

ترجمه دقیق‌تر آیه چنین است: «پس چگونه بر گروهی که کافرند اندوه بخورم؟»

یا: «پس، بر مردمی ناباور چگونه اندوه خورم؟» (ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی)

• ۳۸- اعراف: ۱۰۲

وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَإِن وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ

«اکثر این اقوام را به سر پیمان (و وفای به عهد خود) ندیدیم و بلکه بیشتر آنان را نافرمان و گناهکار یافتیم.»

اشکال: اَوَّلًا «وَإِن» اول آیه در ترجمه نیامده، ثانیاً ترجمه «مِنْ عَهْدٍ» که نکره در سیاق نفی است به صورت نکره لحاظ نشده است، ثالثاً ترجمه «وَمَا وَجَدْنَا» به «ندیدیم» به جای «نیافتیم»

ترجمه دقیقی نیست.

ترجمه دقیق‌تر آیه چنین است:

«و در بیشترشان هیچ پیمانی [استوار] نیافتیم، و به راستی بیشترشان را نافرمان یافتیم.»

• ۳۹- اعراف: ۱۴۳

قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَتُؤْتِنَا لَنْ تَرَانِي

«عرض کرد: پروردگارا! (خویشتن را) به من بنمای تا تو را ببینم، گفت: (تو با این بنیه آدمی و در این جهان مادی تاب دیدار مرا نداری) و مرا نمی‌بینی.»
اشکال: اولاً حرف «لن» برای نفی ابدی است و لازم است معادل آن کلمه «هرگز» بیاید. ثانیاً قید توضیحی میان پرانتز به گونه‌ای است که گویی «رؤیت خدا» تنها در این جهان مادی ناممکن است نه در آخرت! در صورتی که رؤیت خدا برای انسان، چه در دنیا و چه در آخرت، عقلاً و نقلاً محال است. ضمناً تعبیر «عرض کرد» به جای «گفت»، تعبیری محاوره‌ای و عامیانه است.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«گفت: پروردگارا! خود را به من بنمای تا تو را بنگرم. گفت: هرگز مرا نخواهی دید.»

• ۴۰- اعراف: ۱۵۷

و يُجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ

«و پاکیزه‌ها را برایشان حلال می‌نماید، و ناپاکها را بر آنان حرام می‌سازد و فرو می‌اندازد و بند و زنجیر (احکام طاق‌فرسایی همچون قطع مکان نجاست به منظور طهارت و خودکشی به عنوان توبه) را از (دست و پا و گردن) ایشان بدر می‌آورد (و از غل استعمار و استعمارگرا نشان می‌رهاند).»

اشکال: آنچه مترجم محترم در توضیح و تفسیر آیه در میان پرانتز مبنی بر «داشتن احکام طاق‌فرسایی چون قطع مکان نجاست به منظور طهارت!» و یا تجویز «خودکشی» به عنوان کیفر اعمال در میان اهل کتاب! که از بعضی کتب و تفاسیر بدون ذکر هیچ سند و مأخذ معتبری نقل کرده‌اند، دروغ و خرافه‌ای بیش نیست، و هرگز چنین احکام مافوق طاق بشری

و ضدّ عقل و فطرت آدمی، در هیچ دین آسمانی و الهی، هرچند به عنوان کیفر اعمال، وضع نشده است. چنین حکمی نه با حکمت خدای حکیم سازگار است و نه با عدل او، و نه مورد پذیرش عقل و اندیشه احدی از انسان‌هاست. چگونه ممکن است که مردمی هرچند در اوج گناه، اگر احیاناً دست و پا و یا سرشان نجس شود، حکم و دستور تطهیرشان قطع موضع نجاست باشد؟! آیا بر فرض صدور چنین حکمی، امکان اجرا هم خواهد داشت؟ و آیا کسی پیدا می‌شود که به چنین دستور مافوق طاقت بشری و ضدّ عقل و فطرت جامه عمل بپوشاند؟! و آیا بر فرض اجرای چنین حکمی، ادامه زندگی برای محکوم علیه ممکن خواهد بود؟ جای تعجب و شگفتی است که مترجم فرهیخته و خرافه ستیز و عقل‌گرا، در جایی که استخاره معمولی مرسوم در میان گروهی با دانه‌های تسبیح را امری خرافی و مشرکانه و مصداق «أَنْ تَسْتَفْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكَ فِسْقٌ» (مائده / ۳، پانوشت صفحه ۱۹۴ همین تفسیر) می‌داند، چگونه خود به نقل چنین خرافه‌ای می‌پردازد و آن را از جمله موارد و مصادیق «يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» می‌شناساند؟! به امید روزی که تفاسیر قرآن کریم از لوث و جود اخبار جعلی و اسرائیلیات پیراسته و با شیوه تفسیر قرآن به قرآن آراسته گردند.

و اما این که به مسئله «خودکشی به عنوان توبه از گناه» پرداخته، ظاهراً نظر به آیه «وَ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» (بقره / ۵۴) دارد که اولاً خود ایشان آن را به (کشتن نفس سرکش و مبارزه با هواهای نفسانی) تفسیر کرده‌اند، و ثانیاً در پانوشت همان آیه (صفحه ۱۴) وجه دیگر را که «بی‌گناهان شما، گناهکاران شما را بکشند» محتمل دانسته‌اند. بنابراین تعبیر ایشان به «خودکشی» آن هم بدون هیچ قید و توضیحی صحیح نخواهد بود، و کلاً با توجه به نکات فوق، نقل چنین مطالبی، و سخن از خودکشی به عنوان کیفر برای اهل کتاب در فلان مقطع تاریخی خاص، تفسیری دور از حقیقت و واقعیت است.

• ۴۱- اعراف: ۱۹۳ و ۱۹۸

وَ إِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمْ

«(ای بت پرستان) شما اگر انبازهای خود را به فریاد خوانید تا شما را هدایت کنند، پاسخ شما را نمی‌توانند بدهند و خواسته شما را برآورده کنند.»

اشکال: اَوَّلًا تعبیر «تا شما را هدایت کنند» معادلی در آیه ندارد. ثانیاً مقصود آیه شریفه این است که اگر شما بت‌ها را به هدایت بخوانید، آنها از شما پیروی نمی‌کنند، چون درک و شعوری ندارند. نه این که مقصود آیه آن گونه که بعضی از مفسران احتمال داده‌اند این باشد که «اگر آنها را بخوانید تا شما را هدایت کنند...»
ترجمه صحیح آیه چنین است: «و اگر آنها را به سوی هدایت بخوانید، از شما پیروی نمی‌کنند.»

• ۴۲ - انفال: ۷۲

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا

«و اما کسانی که ایمان آورده‌اند و لیکن مهاجرت ننموده‌اند (هیچ گونه تعهد و مسئولیت و) ولایتی در برابر آنان ندارید، تا آن گاه که مهاجرت می‌کنند.»
اشکال: در این ترجمه معلوم نیست که مراد از «ولایت» چیست؟ و اصولاً این جمله که «ولایتی در برابر آنان ندارید» یعنی چه؟ و از طرفی در پانوشت، «ولایت» را به معنای «نصرت» و «مددکاری» گرفته‌اند، در حالی که در متن آن را مترادف با تعهد و مسئولیت آورده‌اند. به هر حال ترجمه صحیح آیه چنین است:
«و کسانی که ایمان آورده‌اند و هجرت نکرده‌اند، شما را از دوستی آنان هیچ بهره‌ای نیست تا آن که مهاجرت کنند.»

توضیح: یعنی حق دوستی با آنان و حمایت از آنان را ندارید تا آن که هجرت کنند. ضمناً «ولایت» با فتحه واو به معنای «دوستی نزدیک» و با کسره واو معمولاً و بیشتر به معنای «سرپرستی» و «زمامداری» است؛ و بعضی تا بیست و هفت معنی برای آن برشمرده‌اند.

• ۴۳ - توبه: ۶۴

يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ

«منافقان می‌ترسند که سوره‌ای درباره‌ ایشان نازل شود.»
اشکال: در این جا «علی» در معنای «ضرر» و «ضدیت» به کار رفته است، بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

معرفی و نقد «ترجمه تفسیری قرآن»... ۵۳ □

- «منافقان بیمناکند از این که سوره‌ای بر ضد آنان نازل گردد.» (ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی)
- یا: «منافقان بیم دارند که سوره‌ای به زیان آنان نازل شود.» (ترجمه محسن قرائتی / تفسیر نور، ج ۵، ص ۸۵)
- یا: «منافقان می‌ترسند که سوره‌ای بر ضد آنان نازل شود.» (ترجمه یعقوب جعفری / تفسیر کوثر، ج ۴، ص ۵۲۴).
- یا: منافقان از آن بیم دارند که سوره‌ای بر ضد آنان نازل گردد.» (ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی)
اما ترجمه آقایان: الهی قمشه‌ای، رضا سراج، محمد خواجوی، ابوالقاسم امامی، عبدالمحمد آیتی، مسعود انصاری و محمد مهدی فولادوند از این آیه، دقیق نیست.

• ۴۴- توبه: ۸۱

فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

«خانه نشینان (منافق) از این که از رسول خدا واپس کشیده‌اند شادمانند، و نخواستند با مال و جان در راه یزدان جهاد و پیکار کنند.»
اشکال: کلمه «بِمَقْعَدِهِمْ» ترجمه نشده است.
ترجمه دقیق و کامل آیه چنین است:
«بر جای ماندگان [منافق] از [به خانه] نشستن خویش از روی مخالفت با پیامبر خدا شادمان شدند، و ناخوش داشتند که به وسیله مال و تن خود در راه خدا جهاد کنند.»
توضیح: کلمه «مَقْعَد» همان طور که مترجم محترم در پانوشت یادآور شده‌اند، مصدر میمی به معنای «نشستن» است. و کلمه «خِلَاف»، هم به معنای «مخالفت» و «سریچی» آمده و هم به معنای «پشت سر» و «پس».
در ضمن کلمه «خِلَاف» در این جا می‌تواند مفعول له باشد. ترجمه ناقد هم بر این اساس است.

• ۴۵- توبه: ۹۳

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَستَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ

«تنها راه (رخنه و شکنجه) به روی کسانی باز است که از تو اجازه می‌خواهند (در جهاد شرکت نکنند) در حالی که ثروتمند و قدرتمندند.»

اشکال: تعبیر «تنها راه به روی کسانی باز است» معادل دقیق «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ» نیست، و توضیح مترجم هم در میان پُرانتز توضیحی گویا و مناسب نیست. مطالب پانوشت گویاتر از متن است. به هر حال ترجمه صحیح آیه چنین است:

«راه [ایراد و سرزنش] فقط بر ضد کسانی [باز] است که با این که توانگرند از تو اجازه [ترک جهاد] می‌خواهند.»

• ۴۶- توبه: ۱۰۳

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا

«از اموال آنان زکات بگیر تا بدین وسیله ایشان را (از رذائل اخلاقی و گناهان و تنگ چشمی) پاک داری و ایشان را بالا ببری.»

اشکال: جمله «تُطَهِّرُهُمْ» محلاً منصوب و صفتی است برای «صَدَقَةً» (البته جایز است که حال از «خُذْ» باشد)، ولی مترجم محترم، آن را جواب «خُذْ» گرفته و لذا در ترجمه کلمه «تا» را آورده‌اند که صحیح نیست؛ زیرا اگر چنین می‌بود، «تُطَهِّرُهُمْ» به صورت مجزوم می‌آمد، و «تُزَكِّيهِمْ» نیز «تُزَكِّ» می‌شد. بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

- «از مال‌هایشان صدقه‌ای بستان که ایشان را با آن پاکیزه و پالایش می‌کنی.»

- یا: «از اموال ایشان کفاره‌ای بگیر که بدان پاکیزه شان و پیراسته شان می‌کنی.» (ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی)

- یا: «از خواسته‌هایشان دهشی بستان که بدان پاک سازی شان و پاکیزه داری شان.» (ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی)

یا: «از اموالشان زکات بگیر که پاکشان کنی، و بدان وسیله مصفاشان کنی.» (ترجمه محمد خواجوی)

ضمناً ترجمه آقایان: مهدی الهی قمشه‌ای، رضا سراج، مکارم شیرازی، عبدالمحمد آیتی،

معرفی و نقد «ترجمه تفسیری قرآن»... ۵۵ □

محمد مهدی فولادوند، مسعود انصاری، محسن قرائتی، یعقوب جعفری و حبیب روحانی (مترجم تفسیر جوامع الجامع، ج ۳، ص ۱۴) از این آیه دقیق نیست.

• ۴۷- یونس: ۳۰

هُنَالِكَ تَبْلُوا كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ

«در آن جا (که میدان حشر و پهنه گردهمایی است) هر کسی کارهایی که قبلاً (در دنیا) کرده می آزمايد.»
تذکر: واژه مناسب و معادل «تَبْلُوا» در این جا «دچار شود» است. مثلاً وقتی می گوییم: «فلانی بدان کار مبتلا گردیده» یعنی «دچار شده» است.
بنابراین ترجمه دقیق آیه چنین است: «آن جا هر کسی به [جزای] آنچه پیش فرستاده است دچار شود.»

• ۴۸- یونس: ۸۵

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

«پروردگارا! ما را (وسیله) آزمون مردمان ستمکار و (آماج) بلا و آزار کافران (بدکردار) مساز.»
تذکر: واژه مناسب و معادل در این آیه برای «فِتْنَةً» کلمه «آشوب» است.
ترجمه دقیق تر آیه چنین است:
«پروردگارا! ما را دستخوش آشوب گروه ستمکار قرار مده.»
توضیح: مراد آیه این است که ما دانسته یا ندانسته آلت دست و ابزار ستم و آشوب ستمگران واقع نشویم.

• ۴۹- یونس: ۹۸

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةً آمَنَتْ فَأَنْفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمٌ يُّؤْسَى

«هیچ قوم و ملتی (در برابر پیامبران الهی به موقع) ایمان نیاورده اند تا ایمانشان برایشان سودمند باشد مگر قوم یونس.»

اشکال: کلمه «فَلَوْلَا» به درستی ترجمه نشده است.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«پس چرا [مردم] هیچ شهری بر آن نبودند که ایمان آورند تا ایمانشان به آنان سود رساند مگر قوم یونس؟» (ترجمه مسعود انصاری)
یا: «پس چرا شهری نبوده است که مردم اش بگردند و گردنشان سودی شان دهد مگر مردم یونس؟» (ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی، آماده برای چاپ سوم)

• ۵۰- هود: ۱۵

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا نُوفَّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَ هُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ

«کسانی که (تنها) خواستار زندگی دنیا و زینت آن باشند، اعمالشان را در این جهان بدون هیچ گونه کم و کاستی به تمام و کمال می دهیم.»

اشکال: تعبیر «بدون هیچ کم و کاستی» معادل «مِنْ دُونِ نَقْصٍ وَ بَخْسٍ» است، نه معادل جمله فعلیه «وَ هُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ».

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«هرکس که زندگی دنیا و زیور آن را بخواهد، (پاداش) کارهایشان را در آن به تمام و کمال به آنان باز دهیم، و آنان در آن هیچ کاستی نیابند.»

• ۵۱- هود: ۹۱

وَ مَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ

«و تو در پیش ما قدر و ارزشی نداری.»

اشکال: با توجه به حرف «علی» که در این جا مفهوم استعلاء دارد، و همچنین به قرینه موضوع گیری خصمانه قوم شعیب با شعیب و دشمن پنداشتن او، کلمه «عزیز» در این جا به معنای «توانمند» و «پیروز» و «شکست ناپذیر» است نه «ارزشمند و گرامی». و اگر چنین می بود، به جای «علینا» واژه «لنا» یا «عندنا» می آمد.

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و تو هیچ بر ما پیروز نیستی.»

یا: «و تو بر ما توانمند نئی.» (ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی)

یا: «و تو بر ما پیروزی نیابی.» (ترجمه عبدالمحمد آیتی)

یا: «و تو بر ما هیچ برتری و قدرت و عزتی نداری.»

(ترجمه محسن قرائتی / تفسیر نور، ج ۵، ص ۳۶۶)

یا: «تو در برابر ما قدرتی نداری.» (ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی). بهتر بود به جای «در

برابر» فقط کلمه «بر» می‌آورد. در این میان، ترجمه آقایان: مسعود انصاری، رضا سراج، مهدی

الهی قمشه‌ای، محمد مهدی فولادوند و محمد خواجوی از این آیه دقیق نیست.

• ۵۲- یوسف: ۱۸

وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ

«پیراهن او را آلوده به خون دروغین بیاوردند.»

اشکال: در این ترجمه کلمه «علی» نادیده گرفته شده، و نکره بودن «دم» نیز لحاظ نگردیده

است.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و بر پیراهنش خونی دروغین آوردند.» (ترجمه بهاء‌الدین خرّمشاهی)

یا: «و خونی دروغین را بر جامه‌اش آوردند.» (ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی)

• ۵۳- یوسف: ۲۴

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهٍ

«زن (که چنین دید به پرخاشگری پرداخت و برای تنبیه عبد خود) قصد (زدن) یوسف

کرد، و یوسف (برای دفاع از خود) قصد (طرد) او کرد، اما برهان خدای خود را دید (و از دفاع

دست کشید و فرار را بر قرار ترجیح داد).»

اشکال: اولاً مترجم محترم کلمه «لَوْلَا أَنْ» را در ترجمه به «اما» تبدیل کرده‌اند که وجهی

ندارد. ثانیاً چنین ترجمه‌ای با ترکیب نحوی آیه ناسازگار است، زیرا در این آیه جواب

«لَوْلَا»ی شرطیه محذوف است و تقدیر آیه در اصل چنین است: لَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ

رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهٍ [لَهَمَّ بِهَا]

«بنابراین ترجمه صحیح و دقیق آیه چنین است:
 «و به راستی [آن زن] قصد یوسف کرد، و [یوسف نیز] آهنگ او نمود. اگر برهان
 پروردگارش را ندیده بود [آهنگ او می کرد].» (ترجمه مسعود انصاری)
 ترجمه آقای انصاری از نظر نحوی از همه ترجمه های موجود - در خصوص این آیه -
 دقیق تر است. اما توضیحات میان پرائنز ترجمه این آیه از استاد دکتر خرّم دل، با توجه به
 اختلافی که مفسران در توجیه و تفسیر آن دارند - همچون توجیه مؤلف محقق جمال انسایت
 در تفسیر سوره یوسف - وجهی معقول و دل پسند است.

• ۵۴ - یوسف: ۳۱

و قُلْنَ حَاشَ لِلّٰهِ

«و گفتند: ما شاء الله.»

اشکال: کلمه «حاش لله»، چنان که مترجم در پانوشت یادآور شده اند، کلمه ای است که در
 مقام «تنزیه خدا» به کار می رود. ولی آیا کلمه «ما شاء الله» می تواند به عنوان ترجمه آن بیاید؟
 اگر چنین می بود، به جای «حاش لله»، کلمه «ما شاء الله» در خود آیه می آمد. بنابراین در مقام
 ترجمه باید آن را به «منزه است خدا» یا «پاکا خدای» ترجمه کرد.

• ۵۵ - یوسف: ۹۹

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَبْوِيهِ

«هنگامی که به پیش یوسف رسیدند، پدر و مادرش را در آغوش گرفت.»

اشکال: کلمه «آوی» یعنی «پناه داد»، «جای داد»، «به خود پذیرفت»، نه «در آغوش گرفت».
 ترجمه صحیح آیه چنین است:

«پس چون بر یوسف وارد شدند، پدر و مادرش را در کنار خود جای داد.»

• ۵۶ - یوسف: ۱۱۰

حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَلُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا

«تا آنجا که پیامبران (از ایمان آوردن کافران و پیروزی خود) ناامید گشته و گمان برده اند

که (از سوی پیروان اندک خویش هم) تکذیب شده‌اند (و تنها مانده‌اند).»
اشکال: ترجمه فوق مبتنی بر قرائت (كُذِّبُوا) به تشدید ذال است. در صورتی که در قرآن‌های موجود (كُذِّبُوا) بدون تشدید، ذکر گردیده است.

• ۵۷-رعد: ۷، یونس: ۲۷، محمّد: ۲۰

و يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ

«کافران می‌گویند: کاش! معجزه‌ای از سوی پروردگارش بر او نازل می‌شد.»
اشکال: «لَوْلَا» به معنی «کاش» نیست، بلکه به معنای «چرا» است. اصولاً «لَوْلَا» یا امتناعیه است و یا تحضیضیه، و هرگز برای «تمنی» استعمال نشده است. گویا مترجم محترم «لَوْ» را که دارای اقسام پنجگانه از جمله «تمنی» است با «لولا» اشتباه گرفته‌اند. ذکر این نکته لازم است که هیچ یک از مترجمان «لولا» را به معنای «کاش» نگرفته‌اند. خود مترجم هم «لولا» را در آیاتی که درست به همین سبک و سیاق‌اند به معنای «چرا» گرفته است؛ از جمله: طه/۱۳۳ و ۱۳۴، نور/۱۲ و ۱۳ و ۲۶، فرقان/۲۱ و ۲۳، زخرف/۳۱ و ۵۳ و احقاف/۲۸. بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:
«و کسانی که کافر شده‌اند می‌گویند: چرا از جانب پروردگارش معجزه‌ای بر او نازل نشده است؟» (ترجمه محمد مهدی فولادوند)

• ۵۸-رعد: ۳۳

أَقَمْنَ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ أَمْ...

«آیا خدایی که حافظ و مراقب همه کس است و اعمال ایشان را می‌پاید (همسان بتهایی است که همچون او نمی‌باشند) بگو: آنها را (خدا) بنامید یا...»
اشکال: ترجمه جمله «وَ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ» از قلم افتاده است.

• ۵۹-رعد: ۴۱

أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا

□ ۶۰ ترجمان وحی

«مگر (این کافران) نمی‌دانند که ما از اطراف زمین می‌کاهیم؟»
اشکال: کلمه «نأتی» ترجمه نشده است.

ترجمه کامل آیه چنین است:

«آیا ندیده‌اند که ما [همواره] می‌آییم و از اطراف این زمین می‌کاهیم؟» (ترجمه فولادوند)
یا: «مگر ندیده‌اند که ما زمین را آییم و از پیرامونش کاهیم؟» (ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی)

• ۶۰- جج: ۴۱

قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ

«فرمود: این طریقه درستی است که دقیقاً راه به سوی من دارد.»
اشکال: در آیه کلمه «عَلَيَّ» آمده، نه «إِلَيَّ»، و هیچ دلیلی نداریم که آن را به معنای «إِلَيَّ» بگیریم.

ترجمه صحیح آیه چنین است: «این راهی است که خود برعهده دارم.»

• ۶۱- نحل: ۱۱۲

فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

«و خداوند به خاطر کاری که انجام دادند، گرسنگی و هراس را بدیشان چشانید (و نعمتها را از ایشان سلب گردانید و بلاها بدانان رسانید).»

اشکال: کلمه «لباس» در ترجمه لحاظ نشده است.

توضیح: تعبیر «چشاندن» در این جا کنایه از ابتلا و نفوذ آثار گرسنگی و هراس در عمق وجود ناسپاسان است. بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و سپس خداوند به کیفر کار و کردارشان بلائی فراگیر گرسنگی و ناامنی را به آنان چشانید» (ترجمه بهاء‌الدین خرّمشاهی)

یا: «و خدا به کیفر اعمالشان به گرسنگی و وحشت مبتلایشان ساخت» (ترجمه عبدالمحمد آیتی).

یا: «و خدا گرسنگی و بیم فراگیر را بچشانیدش، هم بدانچه می‌کرده‌اند» (ترجمه دکتر

معرفی و نقد «ترجمه تفسیری قرآن»... ۶۱ □

ابوالقاسم امامی). دکتر امامی، «لباس» را کنایه از «احاطه و فراگیری» در گرسنگی و ترس دانسته که وجه خوبی است.

یا: «و خداوند هم به کیفر آنچه که انجام می‌دادند عذاب گرسنگی و ترس را به آنان چشانید» (ترجمه محمد خواجوی). آقای خواجوی «لباس» را در این آیه کنایه از «عذاب» دانسته است که وجه و جیهی می‌تواند باشد.

• ۶۲- اِسْرَاءُ: ۲۷

إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا

«بی‌گمان بباددستان، دوستان اهریمنانند، و اهریمنان بسیار ناسپاس پروردگار خود هستند.»

تذکر: کلمه «باددستان» معادل بسیار خوبی برای «مبذَرین» است، اما کلمه «دوستان» معادل جالبی برای «اخوان» نیست، کلمه «برادران» معادل مطابقی و معهود «اخوان» است؛ هرچند از باب توسعه در معنی، گاه کلمات «قرین»، «همکیش»، «همدستان» و «دوستان» نیز معادل آن قرار داده می‌شود. ضمناً مترجم محترم کلمه «شیطان» را که مفرد است به صورت جمع (= اهریمنان)، ترجمه کرده و آن را همسان «شیاطین» گرفته‌اند. ترجمه بهتر آیه چنین است:

«به راستی که بباددستان، برادران اهریمنانند، و اهریمن پروردگار خویش را بسی ناسپاس است» (ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی، آماده برای چاپ سوم).

• ۶۳- طه: ۵۰

قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى

«گفت: پروردگار ما آن کسی است که هر چیزی را وجود بخشیده و سپس رهنمونش کرده است.»

اشکال: در این ترجمه، هرچند مفهوم کلی آیه به خوبی بیان شده، ولی کلمه «حَلْقَهُ» ترجمه نشده، و کلمه «هدی» هم به صورت «هداه» تصور شده است. بیشتر مترجمان «هدی»

را به صورت «هَدَاهُ» ترجمه کرده‌اند.

ترجمه دقیق آیه چنین است:

«گفت: پروردگار ما کسی است که هر چیزی را آفرینش‌اش بداد، سپس راه نمود.»

(ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی)

یا: «گفت: پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده

داد؛ سپس هدایت کرده است.» (ترجمه آیت الله مکارم شیرازی)

یا: «موسی گفت: پروردگار ما آن کس است که هر چیزی را صورتی که مناسب به حال

اوست بدو بخشید، سپس راه نمود.» (ترجمه مرحوم شیخ رضا سراج)

ضمناً ترجمه آقایان: خرمشاهی، مسعود انصاری، عبدالمحمد آیتی، مهدی الهی

قمشه‌ای، محمد مهدی فولادوند و محمد خواجه‌ای از این آیه چندان دقیق نیست.

• ۶۴ - طه: ۹۷

قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ

«(موسی به سامری) گفت: برو (از میان ما). در زندگی دنیا بهره‌ات بیزاری و گریز مردم از

تو باد.»

اشکال: تعبیر «بهره‌ات بیزاری و گریز مردم از تو باد»، ممکن است لازمه معنی و با توضیح

آن تلقی شود، و نمی‌توان آن را ترجمه متن «أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ» دانست. ضمناً توضیحات

مترجم در پانوشت گویاتر از ترجمه ایشان است.

ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«گفت: پس برو، بی‌گمان در زندگی برای تو [این کیفر] است که پیوسته بگویی: [به من]

دست نزنید.»

یا: «گفت: پس برو که بهره تو در زندگی این است که همواره گویی: بسودنی نیست.»

(ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی)

یا: «گفت: پس برو که بهره تو در زندگی این باشد که [به هر که نزدیک تو آمد] بگویی: [به

من] دست مزیند.» (ترجمه محمد مهدی فولادوند)

• ۶۵ - طه: ۱۱۵

وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ

«در آغاز کار، ما به آدم فرمان دادیم.»

اشکال: همان گونه که خود مترجم در پانوشت توضیح داده‌اند، ماده «عَهَدَ» اگر با «إِلَى» بیاید به معنای «توصیه کردن» و «سفارش کردن» است، و «فرمان دادن» ترجمه معادل و مناسب آن نیست، اگر چه ممکن است لازمه معنای آن تلقی شود.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و به راستی از پیش به آدم سفارش کردیم.»

یا: «و از پیش به آدم سفارش کردیم.» (ترجمه بهاءالدین خرّمشاهی)

یا: «و به راستی پیش از این به آدم سفارش کردیم.» (ترجمه مسعود انصاری)

• ۶۶ - طه: ۱۲۱

فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا

«و عورت خود را دیدند.»

اشکال: آنچه به عنوان ترجمه آمده، در واقع لازمه معنای آیه است، نه ترجمه آن.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«آن گاه شرمگاهشان برایشان نمایان شد.» یا: «پس عورت‌هایشان برایشان آشکار شد.»

توضیح: «سَوَاتُ» جمع «سَوْءَة» به معنای: عورت، جسد و لاشه است. کلمه «شرمگاه»

معادل مناسبی برای «عورت» است، لذا آن را معادل «سَوْءَة» قرار دادیم. این معادل را گویا

نخستین بار مرحوم زین العابدین رهنما به کار برده‌اند.

• ۶۷ - انبیاء: ۴۴

بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَاَبَاءَهُمْ حَتَّىٰ طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ

«بلکه ما اینان و پدرانشان را از انواع نعمت‌ها بهره‌مند ساخته‌ایم و چه بسا عمر طولانی

هم داشته‌اند.»

اشکال: «حَتَّى» به معنای «رُبَّ = چه بسا» گرفته شده که صحیح نیست.

ترجمه دقیق آیه چنین است:

«نه، بلکه اینان و پدرانشان را از [نعمت دنیا] برخوردار ساخته‌ایم، تا این که [دوران] عمرشان دراز شد.»
 یا: «حق این است که اینان و پدرانشان را [از ناز و نعمت] بهره‌مند ساخته‌ایم تا آنکه عمری دراز یافتند.» (ترجمه بهاءالدین خرّمشاهی)
 یا: «بلکه ما آنها و پدرانشان را بهره‌مند کردیم، تا عمرشان به درازا کشید.» (ترجمه عبدالمحمد آیتی)
 یا: «حق این است که اینان و پدرانشان را بهره‌مند ساخته‌ایم تا اینکه [زمان] عمر بر آنان طولانی شد.» (ترجمه مسعود انصاری)

• ۶۸-حج: ۴۷

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ

«از تو می‌خواهند هرچه زودتر عذابی را بر سر ایشان بیاوری و خداوند به هیچ وجه خلاف وعده نمی‌کند، یک روز خدا بسان هزار سالی است که شما می‌شمارید و به حساب می‌آرید.»
 اشکال: اولاً عبارت «از تو می‌خواهند هر چه زودتر عذابی را بر سر ایشان درآوری» مخلوطی از ترجمه و تفسیر است، نه ترجمه خالص. ثانیاً ضمیر «وَعْدَهُ» و حرف «لَنْ» و «إِنَّ» در ترجمه لحاظ نشده‌اند. ثالثاً عبارت «یک روز خدا» معادل «وَأَنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ» نیست.
 ترجمه دقیق آیه چنین است:

«و از تو شتاب در عذاب را می‌طلبند، و حال آن که خداوند وعده‌اش را خلاف نمی‌کند، و به راستی یک روز نزد پروردگار تو همانند هزار سال از سال‌هایی است که شما به حساب می‌آورید.»

توضیح: بعضی از مفسران گفته‌اند: مراد این است که یک روز از روزهای عذاب خدا به اندازه هزار سال از سال‌های شماست، چون روزهای سخت، طولانی و دراز جلوه می‌کند.

• ۶۹ - فرقان: ۲۸

يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا

«ای کاش! من فلانی را به دوستی نمی‌گرفتم.»
اشکال: ترجمه کلمه «وَيْلَتَى» از قلم افتاده است.
ترجمه کامل آیه چنین است:
«ای وای! کاش من فلانی را به دوستی نمی‌گرفتم.»

• ۷۰ - فرقان: ۵۹

ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ

«و آن‌گاه بر تخت (فرماندهی و اداره جهان) نشست است.»
اشکال: کلمه «إِسْتَوَىٰ» اگر با «عَلَى» بیاید، به معنای «مستقر شدن» و «مسلط گردیدن» است. تعبیر «نشسته است» مناسب نمی‌نماید.
مترجم، همین تعبیر را در سوره اعراف آیه ۵۴ به صورت: «سپس به اداره جهان هستی پرداخت» ترجمه کرده است، که آن هم ترجمه چندان دقیقی نیست، زیرا به قرینه آیه: «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ» (آنان که عرش خدا را حمل می‌کنند و آنان که گرداگرد آنند) (غافر / ۷) و نیز آیه: «وَ يَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةَ» (و در آن روز هشت فرشته، عرش پروردگارت را بر فراز سر خود بر می‌دارند) (حاقه / ۱۷) معلوم می‌شود که عرش، کل جهان هستی نیست؛ بلکه مرکز فرماندهی آن است که چگونگی آن بر ما مجهول است. به هر حال ترجمه مناسب‌تر آیه چنین است:
«سپس بر تخت [مرکز فرماندهی جهان] استیلا یافت.»

• ۷۱ - قصص: ۴۷ و ۴۸

وَلَوْلَا أَنْ تُصِيبَهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا
فَتَنبِئَ آيَاتِكَ وَتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

«هرگاه (پیش از فرستادن تو ای پیامبر!) عقوبتی به خاطر اعمالشان گریبانگیرشان می‌گردید، می‌گفتند: پروردگارا! چه خوب بود اگر پیامبری برای ما می‌فرستادی تا از آیات تو

فرمان می‌بردیم و از زمره مطیعان می‌گشتیم.»

اشکال: مترجم محترم با این که در پانوش، «لَوْلَا أُرْسِلْتَ» را لولای تحضیضیه دانسته‌اند باز در ترجمه آن را برای «تمنی» گرفته و عبارت «چه خوب بود» را که معادل «کاش» است در معنای «لولا» آورده‌اند. ترجمه آیه ۴۸ این سوره نیز همین گونه است.

ترجمه دقیق و صحیح آیه چنین است:

«و اگر نه آن بود که به علت کارهای گذشته‌شان مصیبتی به آنها برسد و بگویند: پروردگارا! چرا پیامبری را به سوی ما نفرستادی تا از آیه‌های تو پیروی کنیم و از گرویدگان باشیم [قطعاً در کیفرشان شتاب می‌کردیم].»

• ۷۲- روم: ۴۹

وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ أَنْ يُنزَلَ عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لُمُبْسِِينَ

«هرچند که (لحظاتی) پیش از نزول باران ناامید و سرگردان بوده باشند.»

اشکال: «إِنْ» در این جا مخففه از ثقیله است نه وصلیه.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و همانا پیش از آن که [باران] بر آنان فرو فرستاده شود، نومید بودند، [آری] پیش از آن.»

• ۷۳- لقمان: ۲۲ و ۲۳

وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ...

«و کسی که مطیعانه رو به خدا کند...»

وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنُكَ كُفْرُهُ

«کسی که کافر شود، کفر او تو را غمگین نسازد.»

اشکال: «مَنْ» در هر دو آیه شرطیه است نه موصوله.

ترجمه صحیح آنها چنین است:

«و هر که روی خویش به سوی خدا کند...»

«و هر که کفر ورزد، کفر او تو را اندوهگین نسازد.»

• ۷۴ - فاطر: ۵

وَلَا يَعْزُبُكُمْ بِاللَّهِ الْعُرُورُ

«و اهریمن شما را نفریبد.»

اشکال: ترجمه کلمه «الله» از قلم افتاده است.

ترجمه دقیق آیه چنین است:

«و زنهار آن فریبکار شما را به [بخشش و آمرزش] خداوند فریفته نگرداند.»

• ۷۵ - ص: ۳۴

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَداً ثُمَّ أَنَابَ

«ما سلیمان را دچار بیماری ساختیم و وی را همچون کالبدی (بی جان) بر تخت سلطنت انداختیم، سلیمان آن گاه بازگشت.»

اشکال: مترجم محترم به تقلید از بعضی مفسران - بی هیچ دلیلی - کلمه «أَلْقَيْنَا» را «أَلْقَيْنَاهُ» تصور کرده و با چنین ویرایشی از کلام الهی! به ترجمه و تفسیر آن پرداخته‌اند؛ در حالی که هیچ یک از قراء سبعة و یا عشره چنین قرائتی را حتی به عنوان قرائت شاذ هم ذکر نکرده‌اند. به هر حال ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و به راستی سلیمان را آزمودیم و بر تختش پیکری افکندیم، آن گاه توبه کرد.»

یا: «ما سلیمان را بیازمودیم و بر تخت اش [کذا] پیکری افکندیم، آن گاه بازگشت.»

(ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی)

• ۷۶ - فصلت: ۱۰

وَجَعَلَ فِيهَا رِوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً

لِلشَّائِلِينَ

«او در زمین کوههای استواری قرار داد و خیرات و برکات زیادی در آن آفرید و مواد غذایی زمین را به اندازه لازم مقدر و مشخص کرد. همه اینها رویهم در چهار روز کامل به پایان آمد، بدانگونه که نیاز نیازمندان و روزی روزی خواهان را برآورده کند.»

اشکال: اولاً ترجمه کلمه «مِنْ فَوْقِهَا» از قلم افتاده است. ثانیاً ترجمه «سَوَاءً» به «برآورده

□ ۶۸ ترجمان وحی

کردن نیاز» چندان مناسب نمی‌نماید.

ترجمه دقیق‌تر آیه چنین است:

«و در آن از فرازش کوه‌های استوار ساخت، و در آن برکت نهاد، و روزی‌ها را در چهار روز در آن - یکسان برای خواهندگان - به اندازه گذاشت.»

• ۷۷ - دخان: ۳۸

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِأَعْبِينَ

«ما آسمانها و زمین و آنچه در میان آن دو است بیهوده و بی‌هدف نیافریده‌ایم.»

اشکال: «بیهوده و بی‌هدف» لازمه معنای «لأعبین» است نه ترجمه آن. مترجم، شبیه همین

آیه را در سوره انبیاء (آیه ۱۶) درست‌تر و دقیق‌تر ترجمه کرده‌اند:

«و آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است به بازی نیافریده‌ایم.»

• ۷۸ - فتح: ۲

لِيَعْفَرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ

«هدف این بود که خداوند گناهان گذشته و آینده تو را ببخشد.»

اشکال: «ما تأخَّرَ» به معنای «ما یأتی = آینده» نیست، بلکه مقصود از آن، چیزی است که در

مرحله بعد قرار گرفته است. بنابراین نباید آن را به معنای متأخر از وقت نزول آیه بگیریم؛

زیرا در آن صورت این اشکال پیش می‌آید که آمرزش گناهی که هنوز تحقق پیدا نکرده است

چه معنای معقولی دارد؟ بر این اساس، ترجمه صحیح آیه چنین است:

«... تا خداوند گناهان پیشین و پسین تو را [تاکنون] ببامزد.»

یا: «تا خدا گناهانت را آنچه در پیش رفت و آنچه در پس آمد، آمرزد.»

(ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی)

• ۷۹ - نجم: ۱۱

مَا كَذَّبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ

«دل (محمد) تکذیب نکرد چیزی را که او (با چشم سر) دیده بود.»

اشکال: «كَذَّبَ» (بدون تشدید ذال) لازم است نه متعدی، و ترجمه هم باید بر اساس قرائت قرآن‌های موجود باشد، نه قرائت شاذ و نادر «كَذَّبَ».

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«آنچه دل دید دروغ ندید.» (ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی)

یا: «دل آنچه را دید دروغ نگفت.» (ترجمه دکتر سید جلال الدین مجتبیوی)

• ۸۰- واقعه: ۷۵

فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ

«سوگند به جایگاههای ستاره‌ها و محلّ طلوع و غروب آنها.»

اشکال: مترجم محترم همچون بعضی از مفسران و مترجمان دیگر «لَا»ی نفی جنس را در این آیه و دیگر آیات از قبیل: حاقه / ۳۸، معارج / ۴۰، تکویر / ۱۵ و بلد / ۹۰ نادیده گرفته‌اند و به جای «سوگند نمی‌خورم» که معادل «لَا أُقْسِمُ» است، «سوگند می‌خورم» آورده‌اند، در صورتی که «لَا» دقیقاً معنای نفی می‌دهد، ولی در این گونه موارد، مفهوم «لَا أُقْسِمُ» درست به «أُقْسِمُ» برگشت می‌کند، یعنی تأکید بیشتر در قسم را می‌رساند؛ مثلاً در فارسی نیز چنین است: «سوگند به جان شما نمی‌خورم.» که تلویح به سوگند است و حتی مؤثرتر از سوگند خوردن واقعی. بعضی گفته‌اند: «لَا» زائده است. ولی بر فرض صحّت چنین قولی، مراد آنان این است که در این گونه موارد «لَا» سوگند را در قالب نفی آن که ساختار زبانی عرب و حتی عجم است تحکیم می‌بخشد، نه این که «لَا» را در ترجمه ساقط کنیم و خدا را متهم به استعمال لفظ زائد نماییم! و واقعاً اگر چنین باشد در آیه نمی‌بایست «لَا» ذکر می‌شد، و حال که ذکر گردیده، ترجمه معادل آن هم ضرورت پیدا می‌کند، و حذف آن به معنای بی‌اعتنایی به کلام خالق و ویرایش دلخواهانه مخلوق از کلام او تلقی می‌شود. و کسانی که تعبیر «زائد» در کلام ادیبان را به معنای «نادیده گرفتن و دور انداختن آن» پنداشته‌اند، نکته اصلی را در نیافته‌اند. و عجیب این است که بعضی آیه و إِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَغْلَمُونَ عَظِيمٌ (واقعه / ۷۶) را که به دنبال آیه فوق است، دلیل بر این گرفته‌اند که در ترجمه، «لَا»ی «لَا أُقْسِمُ» را لحاظ نکنیم! در صورتی که این آیه ساختار لفظی و معنوی آیه پیشین را، تمام و کمال، حفظ می‌کند و بر آن تأکید می‌ورزد. یعنی این که «پس سوگند نمی‌خورم به جایگاه ستارگان»، این خود «قطعاً سوگند

بسیار بزرگی است.»

و اما این که گفته‌اند در جاهای دیگر قرآن، از قبیل: نجم / ۱، شمس / ۷، مریم / ۶۸، مدثر / ۳۳، تکویر / ۱۷، فجر / ۲ و ۴، لیل / ۱، تین / ۳ سوگندهایی بدون «لا» ذکر گردیده است، پس در مواردی هم که با «لا» آمده، «لا» را باید نادیده گرفت، در جواب می‌گوییم: «هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد.» این دلیل هم خود خلاف مدّعی آنها را اثبات می‌کند، زیرا نیامدن «لا» در آن جا حکمتی داشته، و آمدن «لا» در دیگر موارد حکمتی دیگر. و اگر دور انداختنی بود، خدای حکیم آن را نمی‌آورد و آن را مثل دیگر موارد قرار می‌داد. استشهاد به شعر عرب هم در این مورد کاری از پیش نمی‌برد، زیرا عرب‌ها در این گونه موارد در اشعارشان همان را می‌گویند که عجم‌ها می‌گویند: «نه به خدا سوگند!» «سوگند به جان شما نمی‌خورم!» و امثال آن که در زبان‌های مختلف فراوان است. هر توجیهی برای این مثال‌های عجمی داشته باشیم، همان را در اشعار عرب نیز بازمی‌گوییم.

بنابراین ترجمه صحیح و دقیق آیه چنین است:

«سوگند به جایگاه ستارگان نخورم.»

یا: «سوگند به فرودگاه اختران نخورم.» (ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی)

• ۸۱ - ممتحنه: ۸

لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الدِّينِ لَمْ يُفَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ
تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

«خداوند شما را باز نمی‌دارد از این که نیکی و بخشش بکنید به کسانی که به سبب دین با شما نجنگیده‌اند، خداوند نیکوکاران را دوست دارد.»

اشکال: مترجم - در پانویشت به نقل یکی از مفسران - «قسط» در این آیه را به معنای «بخشش» و «بهره» دانسته، نه عدالت و دادگستری! لذا آیه را بر همین اساس ترجمه کرده‌اند.

باید دانست که «قسط» که در قرآن و غیر آن به معنای «عدالت»، «دادگری» و «انصاف» به کار رفته، در اصل به معنای «سهم» و «بهره» است، نه «بخشش»؛ و چون مقتضای عدل و دادگری و انصاف، دادن «سهم» و «بهره» واقعی هر کسی به اوست، لذا «عدل» و «قسط» که دو

معرفی و نقد «ترجمه تفسیری قرآن»... (۷) □

واژه مترادفانند، از یک حقیقت حکایت دارند. در این آیه هم سخن بر سر عادلانه رفتار کردن با آن دسته از مخالفانی است که آیین و کیش دیگری دارند و هیچ گونه قصد تعدی و تجاوزی هم ندارند، و سخن بر سر بذل و بخشش به آنها نیست. اگر مراد خداوند از «تُقَسِّطُوا إِلَيْهِمْ»، «بخشش» می‌بود، لازم بود که در آیه تعبیر به «احسان» شود.

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

«خداوند شما را از کسانی که با شما در کار دین نجنگیده‌اند و از خان و مان‌تان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با آنان رفتار به داد کنید. خداوند دادگران را دوست دارد.» (ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی)

یا: «خداوند شما را از کسانی که با شما در کار دین کارزار نکرده‌اند، و شما را از خانه و کاشانه‌تان آواره نکرده‌اند نهی نمی‌کند از این که در حقشان نیکی کنید و با آنان دادگرانه رفتار کنید؛ خداوند بی‌گمان دادگران را دوست دارد.» (ترجمه بهاء‌الدین خرّم‌شاهی)

یا: «خدا شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن با آنان که با شما در دین نجنگیده‌اند و از سرزمینتان بیرون نرانده‌اند، باز نمی‌دارد. خدا کسانی را که به عدالت رفتار می‌کنند دوست دارد.» (ترجمه عبدالمحمد آیتی)

• ۸۲- صف: ۳

كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ

«اگر سخنی را بگویید و خودتان برابر آن عمل نکنید، موجب کینه و خشم عظیم خدا می‌گردد.»

اشکال: ظاهراً مترجم محترم «أَنْ تَقُولُوا» را «لَنْ تَقُولُوا» تصور کرده‌اند!
ترجمه صحیح آیه چنین است:

«بس ناپسند است در نزد خداوند آن که چیزی را بگویید که انجام نمی‌دهید.»

(ترجمه مسعود انصاری)

یا: «در نزد خدا بسی ناپسند است که چیزی گوئید که خود نکنید.»

(ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی)

• ۸۳- مُلک: ۲۸

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِی اللَّهُ...

«بگو اگر خدا مرا هلاک سازد...»

اشکال: ترجمه «أَرَأَيْتُمْ» از قلم افتاده است.

ترجمه کامل آن چنین است:

«بگو به من خبر دهید، اگر خداوند مرا هلاک سازد...»

توضیح: یکی از موارد دقت مترجم گرانقدر در سرتاسر این ترجمه این است که در همه موارد کلمه «أَرَأَيْتُمْ» را «به من خبر دهید» یا «به من بگویند» ترجمه کرده‌اند و این همان نکته‌ای است که ادیبان ادبیات عرب چون ابن هشام در مغنی اللیب بدان توجه خاصی دارند، ولی بیشتر مترجمان بدان بی توجه مانده‌اند.

• ۸۴- علق: ۱۴

أَلَمْ یَعْلَمْ بِأَنَّ اللّٰهَ یرِی

«آیا او نمی‌داند که خداوند می‌بیند؟»

اشکال: عبارت «آیا نمی‌داند» معادل «أَلَمْ یَعْلَمْ» است نه «أَلَمْ یَعْلَم». ترجمه صحیح آیه

چنین است:

«آیا ندانسته است که خدای بیند؟» (ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی)

یا: «آیا ندانست که خدا می‌بیند؟» (ترجمه مسعود انصاری)

یا: «مگر ندانسته که خدا می‌بیند؟» (ترجمه محمد مهدی فولادوند)

در پایان این «معرفی و نقد ترجمه»، لازم می‌دانم که نکات اصلاحی لازم برای ویرایش کلمات فارسی ذیل را نیز یادآور شوم، تا با تجدید نظری نوین در کیفیت نگارش واژگان براساس آیین نگارش جدید، نشر آن را بیش از پیش مطبوع طبع ظریفان نکته‌سنج و زیباپسندان پارسی‌نگار گردانند، و از کاربرد مکرر الفاظ مترادف در مقام ترجمه بکاهند.

به امید آن که خصلت نقد‌پذیری این استاد گرانمایه و فرهیخته، سبب تعالی و تکامل همه جانبه این اثر نفیس شود تا در چاپ‌های بعدی شاهد ترجمه و تفسیری به مراتب دقیق‌تر از آن عزیز باشیم.

بنویسیم	ننویسیم
می طلبید	میطلبید
می گویند	میگویند
می خوانی	میخوانی
برمی انگیزد	بر میانگیزد
گروههایی	گروههائی
چیزهایی	چیزهائی
شکیبایی	شکیبائی
چنان که	چنانکه
بگویند	بگوئید
این که	اینکه
همان گونه	همانگونه
کسانی اند	کسانیند
به ناگاه	بناگاه
بدین وسیله	بدینوسیله
این گونه	اینگونه
گفت و گو	گفتگو
هیچ گونه	هیچگونه
گِله	گِلابه
می نمایم	می نمایم
به طول انجامید	بطول انجامید
در آئیم	در آئیم